

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی

۰۵ مارچ ۲۰۱۲

ایران در هفته ای که گذشت

حمله به تأسیسات هسته‌ای قطعی است، اختلاف بر سر زمان اجرای عملیات است:

ابرهای تیره و وقوع جنگ بر فراز ایران متراکمتر می‌شوند. طرفین درگیر در نزاع، از آمادگی بیشتر خود برای این درگیری نظامی سخن می‌گویند. فرمانده سپاه پاسداران جمهوری اسلامی مناطق جنوبی ایران را عمق دفاعی ستراتیژیک نیروهای مسلح رژیم در شرایط وقوع جنگ اعلام نمود و از آمادگی صد در صدی برای مقابله با حمله احتمالی سخن گفت.

در سوی دیگر قضیه، اما در این هفته فرماندهان نظامی امریکا و اسرائیل، از آمادگی خود برای بمباران مراکز هسته‌ای جمهوری اسلامی خبر دادند.

فرمانده نیروی هوایی امریکا روز چهارشنبه این هفته در گفت و گو با خبرنگاران اعلام نمود که نیروهای مسلح امریکا گزینه‌های مختلفی را برای حمله به ایران در اختیار اوپاما گذاشته‌اند و تمام پیش‌بینی‌های لازم صورت گرفته است. بلومبرگ از قول مقامات پنتاگون نقل می‌کند که از جمله امکانات نظامی آماده شده، گزینه سوخت‌رسانی به جت‌های اسرائیلی و افزایش حملات علیه واحدهای سپاه پاسداران و نیروی نخبه‌قدس، پایگاه‌های نظامی ثابت و وزارت اطلاعات خواهد بود.

فرمانده نیروی هوایی امریکا در پاسخ به سؤال خبرنگار "هوفینگتن پست" که آیا نیروی هوایی به تنهایی برای پایان دادن به برنامه تسلیحات هسته‌ای ایران کافی خواهد بود، گفت: بستگی به این دارد که هدف چیست؟ آیا نابودی آن است یا به تأخیر انداختن و دشوار ساختن آن؟ مسأله مهمتر در این‌جا سیاست است تا توانایی نظامی. نیروی هوایی به اتفاق دیگر نیروهای مسلح یک رشته گزینه‌ها را برای حمله به ایران به کاخ سفید ارائه داده‌اند.

همزمان با این موضع‌گیری‌ها، یکرشته گفت و گوها میان مقامات سیاسی و نظامی امریکا با اسرائیل در جریان است. در هفته‌ای که گذشت هیأتی از مقامات سیاسی، نظامی و امنیتی امریکا به اسرائیل رفتند. سپس وزیر دفاع اسرائیل به امریکا رفت و با فرماندهان نظامی امریکا به گفت و گو و تصمیم‌گیری پرداختند. قرار است هفته آینده نیز نخست وزیر اسرائیل به امریکا سفر کند و با اوپاما بر سر حمله نظامی به ایران گفت و گو نماید.

به نظر می‌رسد که تصمیم‌گیری بر سر حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی قطعی شده است، اما بر سر زمان انجام عملیات میان اسرائیل و امریکا اختلاف وجود دارد. رژیم اسرائیل برای آغاز هر چه فوری عملیات نظامی پافشاری می‌کند و می‌خواهد تا پایان تابستان این عملیات انجام گرفته باشد. در حالی که دولت امریکا محاسبات دیگری را مد نظر دارد، منتظر فرصت مناسبی است که جمهوری اسلامی نتواند واکنش جدی نشان دهد و این درگیری نظامی به یک جنگ تمام عیار تبدیل شود.

دولت امریکا در لحظه کنونی در شرایطی قرار ندارد که نیروی زمینی خود را در یک چنین جنگی به کار گیرد، بلکه می‌خواهد صرفاً نیروی هوایی و تجهیزات موشکی خود را به کار گیرد. علاوه بر این، وارد شدن در یک چنین جنگی ضرورتاً سرنوشتی جمهوری اسلامی را هدف قرار می‌دهد که مقامات و ارگان‌های تصمیم‌گیرنده سیاسی امریکا مخالف آن هستند. اما ماجراجویی نظامی اسرائیل می‌تواند مستقل از خواست دولت امریکا این درگیری نظامی را جلو اندازد و به آن ابعاد گسترده‌ای بدهد. حمله اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران، دولت امریکا و حتی اروپا و ناتو را در برابر یک عمل انجام گرفته قرار خواهد داد و در قبال واکنش جمهوری اسلامی، آن‌ها نیز ناگزیر به جانب‌داری از اسرائیل وارد این درگیری خواهند شد.

بنابراین دولت امریکا در تلاش است که مانع از یک اقدام نظامی زودهنگام توسط اسرائیل گردد. تمام مذاکرات آن‌ها در هفته‌ای که گذشت و هفته آینده، حول همین مسأله متمرکز است. به نظر می‌رسد که با موضع‌گیری‌های اخیر فرماندهان نظامی امریکا، دولت امریکا تضمین‌های جدی‌تری به رژیم اسرائیل برای حمله به تأسیسات هسته‌ای می‌دهد، تا آن‌ها را از هر گونه تکرور نظامی علیه جمهوری اسلامی بازدارد. این تضمین، در واقع همان تصمیم قطعی مقامات امریکائی برای حمله نظامی به تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی است. پیش از این، مقامات امریکائی همواره تأکید داشتند که تمام گزینه‌ها برای تصمیم‌گیری در برابر آن‌هاست، اکنون مسأله متفاوت است. آن‌ها رسماً اعلام بکنند یا نه، تصمیم خود را بر سر حمله به تأسیسات هسته‌ای گرفته‌اند.

اسرائیل اما اکنون اصرار دارد که در جریان مذاکرات هفته آینده میان نخست وزیر این کشور با رئیس جمهور امریکا، این موضع دولت امریکا در آنچه که پیام محکم به جمهوری اسلامی نامیده شده، در یک بیانیه مشترک اعلام شود که در واقع بیانیه‌ی اعلان جنگ خواهد بود. این که دولت امریکا تا چه حد این خواست دولت اسرائیل را بپذیرد، تا هفته آینده باید منتظر ماند.

گفت و گوی تلویزیونی احمدی‌نژاد اجازه پخش نیافت

قرار بود در این هفته احمدی‌نژاد در مورد مسایل مختلف اقتصادی و سیاسی مصاحبه تلویزیونی داشته باشد و پیرامون اختلافاتش با مجلس نیز صحبت کند. پیش از این نیز اعلام کرده بود که به زودی نظراتش را در مورد برخی مسایل مهم و از جمله قانون اساسی جمهوری اسلامی اعلام خواهد کرد.

از خبرهای محدودی که در این هفته به بیرون از هیأت حاکمه درز پیدا کرد، چنین برمی‌آید که این گفت و گو انجام گرفته است، اما به دستور مقامات مافوق احمدی‌نژاد، از پخش آن جلوگیری به عمل آمد.

"قدس آنلاین" که از سایتهای وابسته به امپراتوری واعظ طبسی در خراسان است، گزارشی را تحت عنوان "چه کسی برنامه تلویزیونی احمدی‌نژاد را لغو کرد؟" انتشار داد. این گزارش البته به سؤالی که مطرح نمود، پاسخ نداد، اما پوشیده نیست که این برنامه تلویزیونی فقط می‌توانست با دستور مستقیم خامنه‌ای، یا دستور غیر مستقیم او از طریق شورای عالی امنیت جمهوری اسلامی، یا رئیس صدا و سیما که گماشته خامنه‌ای است، لغو شود. اما آیا رئیس

جمهور اسلامی قصد گفت و گوی تلویزیونی داشت که به وی اجازه داده نشد، یا این که این گفت و گو انجام گرفت، اما از پخش آن جلوگیری به عمل آمد؟ آنچه که از گزارش پایگاه خبری قدس آنلاین برمی آید این است که این گفت و گو انجام گرفت اما از پخش آن جلوگیری به عمل آمد؟ چرا که در این گزارش به موضوعات متعددی که گویا در این گفت و گو وجود داشته اشاره شده است. از جمله این که او می‌خواسته به تشریح اوضاع جاری کشور، مسأله انتخابات، تحریم‌ها، هدفمندسازی یارانه‌ها، اجرای قانون و قوانین مصوب مجلس حرف‌های مفصلی با مردم داشته باشد.

این پایگاه خبری می‌افزاید: "بنا به گزارش‌های رسیده به خبرنگار قدس آنلاین، بخش اصلی سخنان رئیس جمهور به گله‌های وی از مجلس در خصوص طرح‌های مد نظر دولت اختصاص داشت که این بخش از برنامه رئیس جمهور با مخالفت مواجه شد. بنا بر شنیده‌ها اگر چه رئیس جمهور قصد داشت این سخنان را قبل از انتخابات بیان کند و در خصوص کسانی که چوب لای چرخ دولت می‌گذارند، با مردم سخن بگوید، اما این مسأله و برخی مسایل و عدم همراهی صدا و سیما باعث شد تا این گفت و گو به بعد از انتخابات موکول شود".

گزارش قدس آنلاین به اصلی‌ترین موضوع بر سر قانون اساسی جمهوری اسلامی که قرار بود احمدی‌نژاد در همین گفت و گو پیرامون آن اختلافات خود را بیان کند و احتمالاً همین مسأله باعث جلوگیری از پخش آن شده است، نمی‌پردازد. اما دلیل جلوگیری از پخش گفت و گوی تلویزیونی احمدی‌نژاد هر چه باشد، تغییری در این واقعیت ایجاد نمی‌کند که سانسور در جمهوری اسلامی مرزهای خودی و غیر خودی را هم پشت سر گذاشته است. گفت و گوی تلویزیونی احمدی‌نژاد این مرتجع خدمتگزار جمهوری اسلامی که گویا رئیس جمهور رژیم استبدادی اسلامی حاکم نیز هست، می‌تواند مشمول سانسور شود و به دستور خامنه‌ای از پخش گفت و گوی او جلوگیری شود.

انصافاً باید گفت که عدالت اسلامی رعایت شده است. احمدی‌نژاد حق هیچ‌گونه اعتراضی ندارد. او و امثال هاشمی رفسنجانی، خاتمی، موسوی، کروبی و تمام کسانی که خدمتگزار جمهوری اسلامی بوده و هستند، باید شکرگزار اجرای عدالت اسلامی باشند که مشمول آن شده‌اند.

کسی که طرفدار جمهوری اسلامی است، باید پذیرفته باشد که حکومت اسلامی، یعنی رژیم ترور و خفقان یعنی استبداد و فراتر از آن استبداد مطلقه ولی فقیه. اما در یک چنین رژیمی، فقط توده‌های وسیع مردم ایران نیستند که از ابتدائی‌ترین حقوق و آزادی‌های سیاسی محروم شده، به بند کشیده شده و بی‌رحمانه سرکوب و کشتار می‌شوند. مقامات و کارگزاران این رژیم هم اگر بخواهند پرحرفی کنند و احیاناً خیال انتقاد از ولی فقیه مصون از خطا و یا سیاست‌ها و ارگان‌های مورد تأیید او به سرشان بزنند، آن‌ها نیز ممکن است به درجات مختلف مشمول عطفوت اسلامی اختناق و سرکوب شوند.

با یک چنین رژیمی، آیا هنوز می‌توان در ایران کسانی را یافت که توهمی به بهبود و اصلاح اوضاع در چارچوب نظم موجود داشته باشند؟ اگر چنین چیزی در میان توده وسیع مردم وجود می‌داشت دیگر یک فاجعه بود. چرا که در آن صورت، چیزی از تجربه نیاموخته بودند. اما این حقیقت دیگر بر کسی پوشیده نیست که اکثریت بزرگ توده‌های مردم ایران به خوبی می‌دانند، تا روزی که جمهوری اسلامی در ایران بر سر کار باشد، روی آزادی را نخواهند دید. مبارزات مردم ایران در سال ۸۸ نشان داد که به مبارزه‌ای سرنوشت‌ساز برای سرنوختی جمهوری اسلامی برخاسته‌اند. این مبارزه به رغم افت و خیزهایش ادامه خواهد یافت تا روزی که موج پر قدرت جنبش توده‌ئی، جمهوری اسلامی را از ایران جاروب کند و با استقرار یک دموکراسی شورائی، برای همیشه به رژیم اختناق و سرکوب در ایران پایان دهد.

تجزیه طرفداران جمهوری اسلامی به ۱۳ باتند:

جمهوری اسلامی هر چه تلاش می‌کند بر اختلافات درونی غلبه کند و به انسجام و وحدت درونی دست یابد، نتیجه معکوس می‌گیرد و بر اختلاف و پراکندگی در صفوف باندهای حاکم افزوده می‌گردد.

نظرسنجی‌های مراکز متعدد ارگان‌های دولتی از مدت‌ها پیش نشان داده بود که توده‌های مردم ایران این بار در ابعادی گسترده‌تر از هر زمان دیگر قصد تحریم خیمه‌شب‌بازی انتخاباتی رژیم را دارند. برخی از سران رژیم راه و چاره مقابله با این تحریم را در غیاب جریان موسوم به اصلاح‌طلب، در ارائه یک لیست واحد از گروه‌های موسوم به اصول‌گرا یافتند تا از این طریق به ویژه در شهرهای بزرگ نظیر تهران که تحریم گسترده‌تر از شهرهای دیگر است، طرفداران و مزدوران رژیم به افراد یک لیست واحد رأی دهند که لاقلاً بالاترین آن‌ها بتواند در تهران چند میلیونی چند صد هزار رأی داشته باشد و از این گذشته گروه‌های مختلف مزاحمتی بر سر افزودن آرای قلابی ایجاد کنند.

بنابراین دو تن از نزدیکترین افراد وابسته به خامنه‌ای، یعنی رئیس مجلس خبرگان و معاون وی یزدی، مأمور ایجاد صلح و سازش در میان گروه‌های رقیب موسوم به اصول‌گرا شدند. اما بحران درونی رژیم چنان شدید است که نه فقط نتوانستند به این هدف خود برسند، بلکه اختلاف و پراکندگی در صفوف آن‌ها را تشدید کردند. نتیجه آن شد که به جای یک لیست واحد اصول‌گرا، ۱۳ باند هر یک لیست جداگانه‌ای ارائه دادند و برنامه ایجاد وحدت با شکست روبه رو شد. در این هفته مهدوی کنی رئیس مجلس خبرگان که این وظیفه به او محول شده بود، شکست برنامه رژیم را اعلام کرد و گفت: "ما ورود پیدا کردیم تا در راستای اتحاد برادران اصول‌گرا، جبهه متحدی تشکیل شود، لکن عده‌ای اجازه ندادند این اتفاق مبارک به درستی صورت پذیرد و این یک جبهه تبدیل شد به سیزده جبهه." او سپس ضمن ابراز نگرانی از اوضاع پیش آمده به این گروه‌ها توصیه کرد، کاری نکنند که دشمنان سوء استفاده کنند."

اما مشکل رژیم به همین جا خاتمه نیافت. باندهای سیزده‌گانه، اقدامات افشاءگرانه ای برای رسوا کردن یک دیگر سازمان دادند.

علی لاریجانی رئیس کنونی مجلس ارتجاع که از سوی باندهای رقیب شدیداً تحت فشار قرار گرفته است، در این هفته واکنش نشان داد و گفت: "متأسفانه گروهی به توزیع سیدی‌ها و شب‌نامه‌هایی علیه دیگران اقدام می‌کنند، ضمن این که با مونتاز و ساخت تصاویر جعلی سعی در تخریب دارند. در این سیدی‌ها به غیر از دروغ و توهین چیز دیگری نبود. برخی گمان می‌کنند با فحاشی به یک دیگر می‌توانند به حل مشکلات کمک کنند. این مسایل بر روی کسانی که دچار پیچیدگی‌های سیاسی نیستند، تأثیر گذاشته و دشمنی‌ها را در جامعه افزایش می‌دهد."

تا همین جا، اظهار نظر مقامات رژیم کافیست تا بلبشوی درونی رژیم را از زبان خودشان برملا سازد و نشان دهد که قرار است فردا در طویل‌ه موسوم به مجلس اسلامی چه جنگ و نزاعی میان این جانوران رخ دهد. اما عجلتاً تبدیل شدن به گفته کنی یک جبهه به سیزده جبهه، این نتیجه را برای رژیم در پی خواهد داشت که اولاً، آرای همان اندک طرفداران و مزدوران رژیم تقسیم خواهد شد و نتیجتاً باید مسأله را با به اصطلاح انتخابات دور دوم فیصله دهد. ثانیاً، از آنجائی که همه این باندها دست اندر کار جعل آراء و تقلب‌های انتخاباتی در گذشته بودند، با مقاومت یک دیگر برای افزایش آرای قلابی و نزاع و درگیری روبرو خواهند شد. این نیز در کل، مشکل دیگری را برای رژیم در افزایش میلیونی آراء ایجاد کرده است.

اما از دیدگاه اکثریت بزرگ مردم ایران که این خیمه‌شب بازی را تحریم کرده‌اند و خواهان برچیدن تمام بساط جمهوری اسلامی هستند، آنچه که اکنون در درون باندهای حکومتی می‌گذرد، بیان چیز دیگری جز گنبدیگی، فساد و فروپاشی رژیم نیست که به پایان عمر ننگین خود رسیده و به زودی باید به قبرستان تاریخ سپرده شود.